



ظریف امین یار

امریکا با سیاست های نادرستش، حکومت وحدت ملی را سقوط خواهد داد

امریکا در افغانستان چه میخواهد؟ سوالی است که شاید حتی اکثر سیاسیون امریکایی نتوانند پاسخ آن را دقیق ارایه بدارند. تشکیل گروه مجاهدین و طالبان، حمایت و مدیریت آن توسط پاکستان (دوست ستراتیژیک امریکا و انگلیس) حمله بالای طالبان و مستقر شدن نیروهای نظامی امریکا در افغانستان (بر آورده شدن آرمان دیرینه امریکا و برتانیای)، تشکیل حکومت به رهبری حامد کرزی (آغاز مرحله دوم سیاست های توسعه امریکا)، چاق کردن گروه های مجاهدین و قوماندانان محلی (حرکت خلاف منافع افغانستان عدم صداقت و حسن نیت امریکا را نشان میدهد)، زمینه سازی برای ادامه جنگ و نا امنی در افغانستان (از بین نه بردن طالبان)، نا دیده گرفتن قانون اساسی، ارزشهای دموکراتیک و غیره، به بحران کشاندن انتخابات (کاملاً طرح امریکا بنظر میرسد)، تشکیل حکومت وحدت ملی، اختطاف کردن پروسه صلح، حمایت امریکا از گروه های سیاسی جدید به رهبری کابینه اسبق و دیگران، اظهارات ضد و نقیض امریکا و سیاست های دو پهلو آن در قبال افغانستان، همه نشاندهنده این است که یا امریکا د مورد افغانستان هیچ ستراتیژی واحدی ندارد و حالا وقتی ناکامی خود را حس میکند با حرکت های زیگزاگ میخواهد بازی را مجدداً طرح کنند و سوی منافع خود مجدداً با یک سیاست نوین حرکت کنند؛ یا هم منافع امریکا در تداوم جنگ و حفظ یک حکومت ضعیف و وابسته به امریکا در افغانستان است.

اگر یک مرور اجمالی در مورد رفتار های سیاسی امریکا در قبال افغانستان انجام دهیم، به ساده گی قابل ملاحظه است که موضعگیری های امریکا نشاندهنده این است که آنچه را امریکا انجام میدهد، شدیداً به منافع افغانستان در تناقض واقع میگردد. از این موضوع میگذریم که امریکا با این قدرت و تکنالوژی که در دست داشت میتواند در ظرف چندین ماه طالبان و گروه های مخالف را کاملاً از بین ببرد و میایم در ارتباط به سیاست های امریکا بعد از تشکیل حکومت وحدت ملی بحث را معطوف مبداریم. به همه هویدا است که طرح جان کبری با طرح فاسدش حکومت ضعیف تر از کرزی را بر ملت افغانستان تحمیل کرد. هیچ گروهی علاقه و انتظار تشکیل اینگونه حکومت را نداشت. وقتی حکومت تشکیل شد، از همان آغاز صاحب نظران و تحلیل گران سیاسی میدانستند که این مدل یک حکومت ضعیف و آسیب پذیر را بوجود میآورد یا به عباره دیگر همه ما میدانستیم که منافع امریکا در یک حکومت ضعیف نهفته به نظر میرسد. از همان آغاز کار حکومت وحدت ملی تا اکنون امریکا در قبال افغانستان شدیداً در خلاء یک سیاست واحد قرار دارد.

دغدغه خروج نیروهای امریکایی بعد از امضاء شدن پیمان ستراتیژیک تأثیر فوق العاده منفی بالای اوضاع سیاسی، اقتصادی و روحیه اجتماعی مردم داشت. کاهش کمک های جامعه بین الملل به افغانستان در این وضعیت وخیم در ذات خود یک سیاست تضعیف کننده بود. تقویه و حمایت دیدگاه اینکه حکومت وحدت ملی از بین میرود تردید نباید کرد که از جانب بزرگان غربی رهبری میشود. شعله زدن و بازتاب دادن جنجال ها بین ریاست جمهوری و ریاست اجرائیه محصول سیاست نادرست امریکا است.

پیچیده کردن پروسه صلح، مجبور کردن حکومت افغانستان تا از پاکستان صلح را گدایی کند، قراردادان رهبری و مدیریت صلح افغانستان به دست پاکستان بخشی از تکتیک های سیاسی امریکا شمرده میشود. رد و بدل های مختلف از جانب قصر سفید به داکتر غنی و داکتر عبدالله مشکلات موجود بین این دو تیم را بیشتر ساخته، مجبور نمودن غنی تا افراد به فرمایشات داکتر عبدالله (مثلاً معرفی جاهد به وزات داخله، فرمان توشیح اصلاحات انتخاباتی و غیره) لبیک بگوید. از جانب دیگر جریان ترویج حقیقتی که گویا داکتر عبدالله و سمتش خلاف قانون اساسی است و ایشان برنده انتخابات نبوده از بابت ناچاری در حکومت شریک ساخته شده است، سعی برای از جنجال افزایی بنظر میخورد. اندک مکث کنید میابید که بعد از مدت طولانی چرا کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان رای انتخابات ریاست جمهوری را اعلام میکند؟ آیا این یک حرکت بسوی از بین بردن چوکی ریاست اجرائیه نیست؟ یا پخش اخبار که گویا اوباما با داکتر عبدالله صحبت کرده و وی را از مداخله در صلاحیت های ریاست جمهوری منع ساخته، آیا بعد از این همه چیزی بنام قانونیت ریاست اجرائیه باقی میماند؟

د پانو شمیره: له 1 تر 1

افغان جرمن آن لاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلیکنی دلیکنیزي بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی